

گفتارهای یک آیین نکوداشت

□ سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی

متشکریم از آقایانی که این برنامه قدردانی را تنظیم کردند و همچنین از آقایانی که تشریف آوردند که بدرقه‌ی خوبی از کار جناب آقای دکتر روحانی باشد که در این مدت در این سمت خدمت می‌کردند. من هم یکی از شاهدان تلاشهای ارزشمند دکتر روحانی هستم، منتهی طولانی‌تر از دوران شورای امنیت ملی و وسیع‌تر. ما پیش از انقلاب در جریان مبارزات ایشان بودیم و شاید اولین کار رسمی ما را با هم در مجلس داشتیم که حقیقتاً به مجلس، به برنامه‌های ما و قوی کردن دستورات مجلس و همچنین مسائل سیاسی حساسی که دور و بر

مجلس بود، کمک می‌کردند. گروهی از دوستان معتدل که آن موقع خیلی کم بودند و گروه عقلا را در مجلس تشکیل داده بودند به خاطر بعضی تندرویهایی که دیده می‌شد، به رهبری ایشان، خیلی از تندروها را تعدیل می‌کردند. یکی از جاهایی که خیلی مؤثر بودند در سیاستهای جنگی بود که شاید هم بی‌تأثیر در خاتمه جنگ نبودند. من خودم در دوران مسئولیت دفاعی ام خیلی از آقای دکتر روحانی بهره می‌بردم. تقریباً در همه سفرهای جنگی ام که به مناطق داشتیم با هم بودیم و همه مسائل فرماندهی و جنگ را با هم بررسی می‌کردیم و تصمیم می‌گرفتیم. با اینکه ایشان نظامی نبودند ولی در مسائل نظامی از ایشان در سطح بالا بهره

می گرفتیم. فقط گوشه‌ای از آن کارها را می‌توان توضیح داد. البته ما فکر می‌کردیم اگر ایشان در شورای عالی امنیت می‌ماندند در این شرایطی که هستیم لازم بود ولی به هر دلیل این اتفاق نیفتاد و ایشان این طور ترجیح دادند و الان نوبت آقای دکتر لاریجانی است که همان نقش را ایفا کنند.

واقعاً شورای امنیت امروز محور امنیت کشور ماست. حوادث مهمی که هم می‌تواند بسیار مثبت و پرثمر دربیاید و هم می‌تواند خطرناک دربیاید. الان باید در شورای امنیت کارشناسی شود و این چیزی است که ما همه علاقه‌مندیم اگر بتوانیم به شورای امنیت کمک کنیم که تصمیمات را همیشه مطابق مصلحت و نیاز کشور و به موقع اتخاذ کند که انشاءالله این اتفاق خواهد افتاد. منتهی همه باید کمک کنیم. آنجا نه جای صنفی است و نه جناحی است و نه سیاسی به معنای مصطلح جامعه‌ی ماست، بلکه یک جایی است که همه ما سرنوشتمان به آنجا مرتبط است و باید آنجا را فراجناحی و بالاتر از همه تعلقات سلیقه‌ای بدانیم.

امیدواریم تحرکی در آنجا پیش بیاید. چون برنامه شما طولانی است و خیلی‌ها باید ابراز علاقه کنند فکر می‌کنم همین فهرستی که عرض کردم کافی است و خیلی هم نیازی نیست که ما بیشتر صحبت کنیم.

به هر حال حقیقتاً آقای دکتر روحانی سهم بسیار بالایی در کمک به دفاع مقدس ما داشتند. در دوران مسئولیت ریاست جمهوری من، مسئولیت شورای عالی امنیت را داشتند که کاملاً خیال ما راحت بود. شاید از آسان‌ترین تصمیمات ما روی پرونده‌هایی بود که آقای دکتر روحانی تهیه می‌کردند و در شورا می‌آوردند و خیلی آسان می‌گذشت به خاطر اینکه حقیقتاً کار کارشناسانه شده بود و عاقلانه تنظیم می‌شد. در این دوره بعدی من نبودم ولی از مواردی که مطلع می‌شدم همین جور بود.

ایشان یک شخصیت استراتژیکی برای انقلاب، نظام، گذشته و آینده کشور هستند که قدرشان خیلی برای جامعه معلوم نیست. چون نوع کارهایشان از نوع کارهایی است که گفتنی نبوده است. طبیعتش این طور بوده که چه در جنگ و چه در شورای امنیت ملی برای جامعه

□ سخنان جناب آقای محمدی گلپایگانی

برای من صحبت کردن در این جمع فرهیخته و مقامات عالی کشور بسیار مشکل است؛ مخصوصاً با توجه به اینکه شخصیتهای ارزنده‌ای صحبت کردند و خواهند کرد، استفاده کردیم و استفاده می‌کنیم. آن چرا که من در این فرصت کوتاه می‌گویم، چیزی بوده که من شاهد بودم و بویژه در دوران مسئولیت جناب آقای دکتر روحانی و ارتباط خاصی که ایشان در این مسئولیت و مسئولیتهای مختلف با مقام معظم رهبری داشتند. گرچه فعلاً بحث تودیع است ولی انشاءالله در آینده هم از وجود شریف ایشان استفاده می‌شود.

این نکته را هم عرض کنم که آشنایی و رفاقت بنده با ایشان طولانی است. شاید جمعی که اینجا تشریف دارند، هیچ‌کس به اندازه من سابقه دوستی با ایشان ندارد. باور کنید ۴۴ سال است که ما با هم رفاقت داریم. دقیقاً از سال ۱۳۴۰ تا الان که ۱۳۸۴ است. ابتدای طلبه‌گی ما با هم بوده و در مدرسه‌ای که تحت اشراف و مدیریت شهید مظلوم دکتر بهشتی بود. در مدرسه علوی ما کار خودمان را شروع کردیم و تحت تأثیر برنامه‌ها و ویژگیهای آن مرحوم بودیم و هنوز هم هستیم و یاد ایشان را هم گرامی می‌داریم.

بعد در دوران طولانی طلبه‌گی در قم ارتباط ما با هم محفوظ بوده و من یادم هست بعد از

اینکه من به مدرسه دیگری منتقل شدم و ایشان هم منتقل شدند به مدرسه دیگری، شبی که حضرت امام را دستگیر کردند و به تهران منتقل کردند (در سال ۱۳۴۳) اول صبح موقع اذان در مدرسه خبر به ما رسید و این بزرگوار آن‌گاه که این خبر را شنید فوق‌العاده متأثر شده بود و بی‌اختیار اشک از چشمانش جاری می‌شد که من هنوز آن منظره در ذهن من هست. در این مدت با وجودی که فرد کوشایی بود و درس خوان و از اساتید برجسته حوزه علمیه حداکثر استفاده را برد، هم‌زمان مراحل تحصیل علوم جدید را هم ادامه دادند و توفیقات بزرگی داشتند. خداوند ایشان را از هوش و استعدادی سرشار تا حد شگفتی برخوردار کرده و خانواده‌تاً این چنین هستند. پدری پارسا، متدین، زاهد، عابد و متعهد و به خاطر سابقه طولانی من با این خانواده، همه خصوصیاتشان را می‌دانم. بعد هم که انقلاب شد، همانند یک سرباز فداکاری که اساساً جایگاه برایش مطرح نیست و هر کجا که لازم باشد در خدمت حاضر است، فعال بود. مخصوصاً در بخشش و نماد برجسته‌ی این خدمات در مسئولیت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بود. گرچه ایشان نماینده عزیز رهبر معظم انقلاب هم هستند و در آینده هم انشاءالله خواهند بود.

در این مدت طولانی می‌دانید که شورای عالی امنیت ملی یکی از افتخاراتش این است که همه مصوباتی که آنجا تصویب می‌شود برای اینکه اجرایی شود حتماً باید به نظر و تأیید

مقام معظم رهبری برسد. شورای عالی جایگاه بسیار بلندی دارد. شخصیت‌های بلندی که آنجا هستند، عالی‌ترین کارشناسان، ترکیبی از نخبگان در همه مسئولیتها چه دولت و چه نیروهای مسلح آنجا هستند و همه مسائل را با دقت بررسی می‌کنند و به نتیجه‌ای که می‌رسند، مصوبه می‌شود و این مصوبه خدمت مقام معظم رهبری می‌آید و ایشان تأیید می‌کنند و نهایی می‌شود و جنبه قانونی پیدا می‌کند. به مناسبت مسئولیتم، در جریان مذاکرات شورای عالی امنیت ملی هستم. وقتی این صورت جلسات را من می‌خواندم می‌دیدم بیشترین، پر حجم‌ترین و پرمغزترین مسائلی که در جلسات و مذاکرات صورت پذیرفته مربوط به ایشان است. همه‌ی مسائل پخته، سنجیده و با همه جوانب بررسی می‌کرد و ارائه می‌داد و این تازه یکی از فرآورده‌های کار ایشان بود.

آن جلساتی که جناب آقای ربیعی اشاره کردند، کار آسانی نیست، از همه‌ی تفکرها جمع کردن، بهره‌بردن و استفاده کردن کار آسانی نیست. سالها، روزها، شبها این شورا را پربار کردند و من یاد نمی‌آید که در جلسه‌ای - مگر اینکه خارج از کشور باشند - ایشان حضور نداشته باشند. نمی‌دانم اصلاً از مرخصی استفاده کرده‌اند یا نکرده‌اند. این تلاش و کوشش قابل قدردانی است و مقام معظم رهبری هم قدر خدمتگزاران را می‌داند و همیشه می‌دیدم در جلساتی که خدمت آقامی رسیدند، اظهار لطف و مهربانی را نسبت به ایشان داشتند. همین

هفته پیش که آنجا تشریف داشتند یکی از حرفه‌ای (انشاءالله اجازه می‌دهند و راضی هستند که من بگویم) که گفتند این بود که من در هر جا باشم، در خدمت شما هستم.

ایشان بایک پیرونده‌ی روشن این جایگاه و مسئولیت را فعلاً در اختیار برادر گرامی و عزیز دیگرمان جناب آقای لاریجانی می‌گذارند که ایشان هم نماینده دیگر مقام معظم رهبری در این شورا هستند. ایشان هم از سوابق درخشان و روشنی برخوردارند.

من مطمئنم جناب آقای دکتر روحانی هر جا باشند از فکرشان، از تفکرشان، از خوش فکریشان و تجربیات ارزنده‌شان قطعاً استفاده خواهد شد. جناب آقای هاشمی رفسنجانی اشاره فرمودند به نقش بزرگی که ایشان در دفاع مقدس داشته‌اند؛ قدم به قدم، سنگر به سنگر، جبهه به جبهه در آن مراحل حساس و خطرناک حضور داشته‌اند و این کار آسانی نبود. بنده همان زمان در نیروی هوایی خدمت می‌کردم و از نزدیک با مسئولین آنجا آشنا بودم می‌دیدم که ایشان چطور در آنجا با شهید عزیزمان آقای ستاری در راه شکوفاشدن امر پدافند، راهنمایی و هدایت می‌کردند. ابتکاراتی که پدافند در آن زمان داشت، شلیک شبانه‌ی موشک شبابیز نیمه شب در اطراف تهران را بیاد می‌آورم در کنار ایشان. کارهایی که اصلاً در ذهن سازندگان این موشکها هم نبود، انجام دادند. همکاری نزدیک و تنگاتنگی شهید بزرگوار و عزیزمان شهید بابایی با ایشان داشتند.

هوایمایی که اساساً برای بمباران ساخته نشده بود و فقط جنبه پدافندی داشت با هدایت و ابتکارات ایشان و همکاری وجدیت و صمیمیت شهید بابایی تبدیل به یک هوایمای بمباران شد، که بسیار در جنگ مؤثر بود.

من توفیق ایشان را از خدا می‌خواهم، امیدوارم که انشاءالله ایشان هر جا باشند از وجود عزیزشان استفاده شود و انشاءالله شورای عالی امنیت همچون گذشته و بهتر از گذشته بتواند نقش اساسی و سازنده خودش را در خدمت مقام معظم رهبری در آینده داشته باشد و انشاءالله خداوند همه شما را سالم و سلامت بدارد.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

□ سخنان جناب آقای دکتر علی ربیعی

در این مجلس محترم، فرصت را غنیمت شمرده مقدماً مروری فشرده بر کارنامه ۱۶ ساله شورای عالی امنیت ملی می‌نمایم. در ۱۶ سال گذشته ۴۲۵ جلسه‌ی شورای عالی تشکیل شده که در این جلسات، در زمینه‌ی مسائل مهم داخلی و خارجی کشور برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شده است. فرصت نیست که من از تعداد جلسات فرعی که در دبیرخانه بوده صحبت کنم، فقط اشاره می‌کنم که در این چند سال اخیر پس از حمله آمریکا به عراق ۱۰۷

جلسه درباره‌ی مسائل عراق و ۱۵۰ جلسه در مورد مسائل هسته‌ای داشته‌ایم. من فقط این دو نمونه را گفتم که حضار محترم عنایت پیدا کنند که در هر مسئله، چه تعداد جلسات و مباحث کارشناسی تاکنون در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی صورت گرفته است.

علاوه بر این، کمیته‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاست خارجی، تبلیغات و کمیته‌ی امنیت داخلی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی همواره جلسات منظمی را داشته‌اند و به رتق و فتق امور و تصمیم‌سازیها کمک کرده‌اند. ذکر بسیاری از کارها که در این ۱۶ سال در دبیرخانه صورت گرفته، نه در حوصله‌ی جلسه است و نه ملاحظات امنیتی به ما اجازه می‌دهد که این مسائل را ذکر کنیم. اما اهم مطالبی که می‌توان ذکر کرد: مسائل و تهدیدات آمریکا، بحث عراق، افغانستان، آسیای مرکزی، حوزه خلیج فارس، بوسنی، تحولات منطقه‌ای، مسائل اروپا، امور تسلیحاتی، توطئه‌های اسرائیل علیه ایران، مسائل همسایگان، رژیمهای حقوقی مختلف و مسائل هسته‌ای در مسائل سیاست خارجی، مواردی بوده که قابل ذکر است که همه‌ی اینها در طول این سالها در دبیرخانه مورد بررسی و طراحی و در شورای عالی امنیت ملی به تصمیم‌گیریهای مناسب رسیده است.

در مسائل داخلی، مسائلی مثل آمایش سرزمین، مسائل هویت ملی - قومی، هماهنگی دستگاههای امنیتی، بحرانهای شهری و مسائلی که به امنیت اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شده،

بخش کوچکی از مواردی بوده که در طول این سالها در دبیرخانه طراحی و برنامه‌ریزی شده است.

من می‌خواهم در چند سطر ویژگیهای کاری آقای دکتر روحانی را بدون اغراق بگویم و ادای دین کنم. مهم‌ترین کاری که در دبیرخانه به مدیریت آقای روحانی صورت گرفت، مسئله اعتدال و میانه‌روی بود. دبیرخانه شورای امنیت، هیچ‌گاه پارا از میانه روی فراتر نگذاشت، همه‌ی جریانات سیاسی در کشور به وجود دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی دلگرم بودند. از جریانات دانشگاهی، تا جریانات صنفی، تا جریانات سیاسی، تا خود اعضای شورای عالی هیچ‌گاه کسی نتوانست خدشه‌ای بر بی‌طرفی دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی وارد کند. دبیرخانه با مدیریت آقای روحانی خط اعتدال را در تصمیم‌سازیها و تصمیم‌گیریها متبلور کرد. لذا من به جد معتقدم که اگر امروز ما شاهد رویه‌های معتدل در بخشهایی از کشور هستیم و جریان امنیتی در کشور امروز به جریانی که همه به آن اعتماد دارند تبدیل شده، اینها فراهم نبود مگر با زحماتی که رویه‌های اعتدال‌بخش در دبیرخانه و نهایتاً در شورای عالی امنیت ملی در این سالها به پیش برده است. من واقعاً می‌خواهم امروز خدا را شاهد بگیرم که هیچ‌چیز به جز مصلحت نظام، انقلاب و منافع ملی، عاملی برای تصمیم‌سازیها و تصمیم‌گیریها در دبیرخانه نبوده است و این نقطه تعادل‌بخش، امروز آثار خودش را حتی بر انتخابات اخیر و

انتخابات قبلی، گذاشته است.

ویژگی دوم کارشبانه‌روزی بود که در دبیرخانه ما شاهد آن بودیم. کارآمدی بالا در دبیرخانه، مجموعه کوچکی از الگوی کارآمدی بود. من همیشه به دوستان می‌گفتم، چراغ روشن منطقه پاستور، همیشه چراغ اتاق آقای روحانی بود و امیدوارم که این چراغ برای نظام همواره روشن بماند. از هفت صبح تا ۱۲، ۱۱، شب، همواره این چراغ در این منطقه روشن بود و من شبهای زیادی را مشاهده کردم که ایشان شب را در محل دبیرخانه گذرانده‌اند. این واقع است که ما در مسائل امنیتی کم‌وکاستی احساس نکردیم، نتیجه کارآمدی بالا و کارشبانه‌روزی بود که در دبیرخانه صورت می‌گرفت.

ویژگی سوم، کارشناسی بود، من معتقدم که دبیرخانه سعی کرد از همه دستگاهها و نخبگان کشور اگر آنها هم تمایلی داشتند، استفاده کند. شاید خیلیها نمی‌پسندیدند یک سری افراد به دبیرخانه رفت و آمد کنند اما با سعه‌ی صدر آقای دکتر روحانی سلائی مختلف، جریانهای مختلف و افکار مختلف در شورای عالی امنیت ملی استفاده می‌شد و شجاعت ارائه دیدگاههای مختلف کارشناسی در دبیرخانه به لحاظ خصوصیات فردی آقای روحانی پدید آمد. در واقع، دبیرخانه فیلسوفی نکرد، دبیرخانه نظرات کارشناسی خودش را داد و بر نظرات کارشناسی خود ایستاد هر چند در نهایت از نظراتی که در نظام وجود داشت

اطاعت کرد. نبود ما در برخی از بحرانهای بین‌المللی و

خصوصیت چهارم، همه‌جانبه‌نگری بود. خوشبختانه نوع کاری که در دبیرخانه شد با مفهوم امروز امنیت ملی که مفهوم همه‌جانبه تعریف می‌شود مطابقت داشت. من نگاه می‌کردم به گزارش کار دبیرخانه در این ۸ سال که می‌خواستیم تهیه کنیم، از موضوعاتی مثل مسائل ارزی در کشور، مسائلی مثل تأمین مسائل بهداشتی آب تهران، مسئله پایتخت، تا بزرگ‌ترین موضوعات امنیتی مثل تهدیدات آمریکا و همچنین مسائل مختلف فرهنگی، مسائلی بودند که در دبیرخانه مورد توجه قرار می‌گرفت و در حقیقت در تمام این موارد،

مواردی به گستردگی مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی گرفته تا سایر مسائل در دبیرخانه بررسی می‌شد. اگر امروز شما مجموعه تصمیم‌گیریهایی که شورای عالی امنیت ملی در ۱۶ سال گذشته گرفته شده را ملاحظه کنید، قطعاً می‌توانید همه‌جانبه‌نگری و دیدن آثار هر تصمیم سیاسی بر مسائل اقتصادی، مسائل اقتصادی بر مسائل امنیتی و غیره را در این تصمیم‌گیریها مشاهده کنید.

خصوصیت پنجم، عقلانیت در تصمیم‌گیریها بود. دوران‌دیشی و عقلانیت در تصمیم‌گیریها را اگر یک روز کسی مصوبات شورای امنیت را ورق بزند را خوشبختانه می‌تواند مشاهده کند. شاید حریمها اجازه ندهد که به برخی از مسائلی که در تصمیم‌گیریها مطرح بوده، گفته شود. به اعتقاد من اگر تدابیر شورای عالی امنیت ملی

امنیت پرتلاطم‌ترین مقوله در سالهای پرتلاطم گذشته انقلاب بوده و در این پرتلاطم‌تر =ین سالها، تلاطم امنیت با سکان‌داریهایی که صورت گرفت الحمدلله به نقطه بسیار خوبی رسید. من به نمایندگی از دبیرخانه شورای امنیت و پرسنل دبیرخانه می‌خواهم، علاوه بر اینکه از حضور شما سروران گرامی تشکر کنم، از زحمات جناب آقای دکتر روحانی تشکر کنم.

به اعتقاد من آقای روحانی فردی است که تاریخ سیاسی امنیت ملی نظام ما است. یعنی یک‌تنه بعد از انقلاب در مشاغلی که ایشان قرار گرفته، تاریخ سیاسی و امنیتی نظام ما ساخته شده است. از قرارگاهها در میدان جنگ تا جلسات و شوراها، مختلف، آقای روحانی کماکان فعال بوده‌اند و من وظیفه خودم دانستم

به عنوان فردی که در دبیرخانه در کنار ایشان بودم و به عنوان پرسنل دبیرخانه شورای امنیت قدردانی خودم را از ایشان اعلام کنم و چون آقای روحانی از دوران جنگ تا امروز حضور داشتند، به اطلاع سروران می‌رسانم که به پاس این خدمات در اینجا فرزند عزیز شهیدی که در دبیرخانه شاغل هستند به یاد «جنگ تا امنیت» لوح یادبودی را به محضر آقای دکتر روحانی تقدیم خواهند کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

□ سخنان جناب آقای یونسی

برای من خیلی افتخار است که در خدمت شما تجلیل از استاد عزیز و برادر بزرگوارم جناب آقای دکتر روحانی داشته باشم. من یکی از شخصیت‌هایی که از قدیم به ایشان به شدت علاقه مندم جناب آقای روحانی است. پیش از انقلاب ایشان را می‌شناسم، در حوادث سالهای ۵۶ و ۵۷ و پس از آن در دوران جنگ همان طور که آیه‌ها هاشمی فرمودند، یکی از شخصیت‌های مؤثر در ساماندهی، مدیریت و اثردهی در جنگ بودند. در مسئولیت فوق‌العاده خطیر شورای عالی امنیت ملی هم همین طور بودند. شورای عالی امنیت ملی نهادی بود که با ایشان آغاز به کار کرد. جای این نهاد در نظام خالی بود. تجربه‌ی حکومتداری نخبگان و خبرگان

حکومت و زعمای جمهوری اسلامی روشن ساخت که این نهاد باید تأسیس شود و در بازنگری قانون اساسی این نهاد ایجاد شد و به دلیل نقش و اثر حیاتی در امنیت ملی باید شخصیتی متناسب با آن در آنجا منصوب می‌شد. من فکر نمی‌کنم شخصی مناسب‌تر از ایشان برای این نهاد پیدا می‌شد. یک جایگاه موقعی در حد خودش شناخته می‌شود که شخصیت متناسبی هم آنجا خدمت می‌کند و اگر چنانچه شخصیت متناسبی برای آن جایگاه در نظر گرفته نشود، آن جایگاه هم به تناسب آن شخصیت کوچک می‌شود و پایین می‌آید. این شخصیت است که جایگاه را بالا می‌برد. اگر یک جایگاه خودش رفیع باشد و نقش حیاتی در امنیت ملی داشته باشد، حتماً باید یک شخصیت حیاتی، مؤثر و مناسب و در یک کلمه - به تعبیر سرور عزیزمان جناب آقای هاشمی - عاقل باید برای چنین جایگاهی تعیین شود. این پیشنهاد به ذهن مقام معظم رهبری یا هر کسی رسیده یک الهام بوده و جناب آقای روحانی در این جایگاه خدمات حیاتی برای جمهوری اسلامی داشته‌اند.

در جایگاهی که جناب آقای روحانی خدمت می‌کردند، در حقیقت ایشان در آن جایگاه سکان‌دار و خلبان و فرمانده امنیت ملی بودند. برای اینکه نهادها و ارگان‌های امنیتی که به طور طبیعی با هم اصطکاک دارند و نظرشان با هم متفاوت است و گاهی هم اختلاف دارند و می‌دانید که اختلاف در مسائل امنیت ملی

بسیار خطرناک است، باید در نقطه‌ای اختلافات قطع شود و فصل الخطاب باشد و تمام شخصیتها، نهادها و ارگانها باید آن را بپذیرند. درست است که جایگاه، جایگاه مهمی است اما شخصیت هم باید شخصیت مهمی باشد و شخصیت باید بتواند این جایگاه را آن گونه که هست، خودش هم تعریف کند. جناب آقای

روحانی به دلیل ویژگیهای تقریباً منحصر به فردشان که از ذخایر ملی ما هست، توانست بهترین مدیریت و فرماندهی را در این جایگاه از خودش نشان بدهد. کمتر شخصیتی است در این جایگاه که وقتی همه ارگانها و نهادها برای خودشان نظر دارند و اصرار دارند بالاخره همه به یک نظر تن بدهند و قبول کنند. جناب آقای روحانی هم کارشناس، هم مدیر و هم فرمانده و یک شخصیتی بودند که وقتی نظر می دادند همه قبول داشتند. جمع بندی جناب آقای روحانی درمباحث بسیار پیچیده و وسوسه انگیز و اختلاف برانگیز مسائل امنیتی، جمع بندی تمام بود و همه قبول می کردند و تا آنجایی که من خبر دارم به ندرت مواردی بوده که مورد تأیید مقام معظم رهبری قرار نمی گرفته است. مقام معظم رهبری به دلیل اعتمادی که به ایشان داشتند آن فرآیند و نظریه نهایی شورای عالی امنیت ملی مورد تأییدش قرار می گرفت و برای اجرا ابلاغ می شد. این جایگاه اگر آقای روحانی نبود به این حد که ما می شناسیم شناخته نمی شد. جناب آقای روحانی خود یک شخصیت بزرگی است که همیشه ترجیح می داده که در سایه عمل کند و در پرتو شخصیتهای بزرگی، کمتر خودشان را نشان بدهند. در پرتو شخصیتی مثل جناب آقای هاشمی یا جناب آقای خاتمی عمل می کردند و کمتر خودشان را نشان می داد در حالی که جناب آقای روحانی هیچ از شخصیتهای دیگر کم ندارند.

از نظر معلومات حوزوی جناب آقای روحانی یک آیه الله است و جزو بهترین شاگردان مرحوم آیه الله العظمی داماد بودند و آن مرحوم توجه ویژه‌ای به ایشان داشتند. یک شخصیت علمی حوزوی و در واقع یک آیه الله تردید نکنید که بسیار از این آیه الله های معروف در حد ایشان نیستند و جناب آقای روحانی - که الان ناراحت هم هستند که من این کلمات را به کار می گیرم - همیشه سعی کرده اند که در پرتو شخصیتهای دیگر کار کنند و این هم از اخلاص و بزرگواری ایشان است. کشور ما به شخصیتهایی مثل آقای روحانی نیازمند است. اجازه بدهید در این جمع من این جمله را هم عرض کنم که جمهوری اسلامی دستاوردهای مهمی داشته است. به نظر من مهم ترین دستاورد جمهوری اسلامی تربیت نسل بزرگی از شخصیتها و مدیران لایق در کشور که متأسفانه همیشه مورد اهانت و تخریب قرار می گرفته اند، بوده است. یک بیماری بسیار خطرناک و فاجعه اخلاقی در جامعه ما تخریب شخصیتها و مدیران است. همین روزها بعضی از روزنامه ها اعتراض می کنند که چرا از این مدیران و

شخصیتها تجلیل می شود. یعنی حتی نمی تواند ببیند که از یک شخصیت تجلیل می شود. برای اینکه بیمارند به تخریب و تهمت زدن و این رذیله زشت ضدانسانی که متأسفانه در جامعه دینداری هم جا افتاده، تحمل نمی کند که ما از شخصیتهایی مثل جناب آقای خاتمی، آقای هاشمی و آقای روحانی تجلیل کنیم. سرمایه ی ما اینها هستند. کشور ما با این شخصیتها شناخته می شود. اگر این سرمایه عظیم انسانی را نداشته باشیم باید به چه سرمایه ای نسبت به کشورهای دیگر مباحثات کنیم. مباحثات ما به کشورهای دیگر به همین دستاوردها است و نه چیز دیگر.

من افتخار می کنم که به جناب آقای روحانی ارادت دارم. از جانب خودم به عنوان وزیر اطلاعات در این ساعتهای آخر وزارتیم به نمایندگی از همه ی مسئولین وزارت اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و شورای هماهنگی اطلاعات از ایشان تشکر می کنم که در این مدت با مدیریت بسیار هوشمندانه ی خود از همه ی این ارگانها و نهادها حمایت کردند و با تدبیر بسیار عاقلانه ی خود از امنیت ملی حمایت کردند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

□ سخنان جناب آقای دکتر فیروزآبادی

من زمانی که افتخار پیدا کردم آقای دکتر روحانی را بشناسم، وقتی بود که مراسم

بزرگداشت شهید مظلوم دکتر بهشتی و ۷۲ تن یاران ایشان (در سال ۱۳۶۰) در مسجد ارک منعقد بود. قاعدتاً انتخاب آقای دکتر روحانی به عنوان سخنران آن مجلس نشانه ی علم، شأن و شخصیت انقلابی و مبارز ایشان در آن زمان بود و آنجا دکتر روحانی فرمودند که «بهشتی با شهادتش برای انقلاب کاری کرد که اگر سالها زنده می ماند و مجاهدت عالمانه می کرد به آن دست نمی یافت.» یعنی خون شهید بهشتی - که این سالن به نام اوست - منافقین پلید را رسوا کرد و دست دشمنان را رونمود و ملت را بیدار کرد.

بیست سال است که بنده در لباس بسیجی هم سنگر آقای دکتر روحانی در موضع فرماندهی هستم. از سال ۱۳۶۳ در کنار ایشان در سنگر دفاع از انقلاب اسلامی شاگردی کردم. در ستاد کل پدافند کشور همکارشان شدم. شاهد مجاهدتهای با اخلاص و مدیریت حکیمانه و توأم با اخلاق فرماندهی در ایشان بودم. وقتی ایشان قرارگاه خاتم الانبیاء را در جنگ اداره می کردند، من آنجا نظم و انضباط و صلابت و اندیشه ی عمیق و سیاستمداری عاقلانه و تبعیت محض از فرماندهی را آموختم. در ستاد مرکزی پشتیبانی جنگ که به ریاست آقای دکتر روحانی برگزار می شد و حکم دستگاه اجرایی مصوبات شورای عالی پشتیبانی جنگ را داشت، ما معنی ریاست مدبرانه و توأم با اخلاق و رفاقت را در وجود ایشان یافتیم و حقیقتاً لقب استاد در امنیت ملی و مدیریت

بحران شایسته‌ی ایشان است. از همان روزها آقای دکتر روحانی با وجود داشتن عنوان مهم نمایندگی مجلس مثل یک روحانی بسیجی یک روز در ستاد کل پدافند، یک روز در قرارگاه جبهه، یک روز در مسیر بازدید از جبهه‌های جنوب و غرب، ساعتی در قرارگاه خاتم(ص)، ساعتی در ستاد مرکزی پشتیبانی جنگ، ساعتی در ستاد کل پدافند و ساعتی پیش فرماندهی جنگ و ساعتها مشغول پیگیری مصوبات و اجرای تصمیمات بودند. انصافاً شبانه‌روز در حال مجاهدت در راه امام و انقلاب و تلاش برای پیروزی رزمندگان اسلام و دفاع از نقاط حساس و حیاتی کشور بودند و حقیقتاً مثل همه‌ی بسیجیها با اخلاص، بی‌ریا، بدون تعلق و چشمداشت خدمت کردند.

با تصویب اصل ۱۷۶ قانون اساسی و تشکیل نهاد بسیار مهم شورای عالی امنیت ملی در ۱۶ سال گذشته، ایشان نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی و دبیر شورا بودند. این عنوان با ظرف کمال شخصیت انقلابی، سیاستمدار، ولایتی و متعهد و مجاهد آقای دکتر روحانی تبدیل شد به یک کارخانه فعال حل مسائل و مشکلات امنیت ملی کشور و تصمیم‌سازی برای تأمین منافع. کاری وسیع‌تر از آنچه در شورای عالی امنیت ملی انجام شد در دبیرخانه صورت می‌گرفت. کمیته‌ها، کمیسیونها، صدها جلسه دبیرخانه و شوراها، سیاستگذاری، صدها و هزاران مسئله امنیت ملی در جنگ، در بحران امنیتی، منطقه‌ای و بین‌المللی با صبر و

متانت با اعتماد به نفس، سعه صدر و حلم و خستگی‌ناپذیری آقای دکتر روحانی در این جلسات که غالباً هر روز و در چند نوبت برقرار بود، تجزیه و تحلیل می‌شد و به تصمیمات ارزنده‌ای رسید که با تأیید شورای عالی امنیت ملی یا مقام محترم ریاست جمهوری و در موارد لازم با تأیید رهبر عزیز ابلاغ شد و گرورها گشود. توفانها را خواباند و بحرانها را فرونشاند و امنیت و آسایش را برای مقامات کشور، قوای سه‌گانه و ملت فراهم آورد و کشور را از گردابهای خطیر رهانید. چه سزاوار مولای ما، رهبر عزیز از مدیریت عالی و کارآمد ایشان تجلیل و تشکر فرمودند.

بنده به عنوان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح از طرف خود و همه فرماندهان نیروهای مسلح و رزمندگان اسلام ارتشی، سپاهی، نیروی انتظامی، پدافندی، بسیجی، در دوران نورانی دفاع مقدس و دوران سازندگی و پیشرفت کشور پس از جنگ تا امروز از خدمات ارجمند، هوشمندانه و مجاهدت حکیمانه آقای دکتر روحانی مرد تعبد و سیاست تقدیر و تشکر می‌کنم. «تلك الايام نداولها بين الناس» زمان برای امتحان بین انسانها تقسیم شده است. امروز این کار سنگین از دوش آقای دکتر روحانی برداشته شد و بر دوش شخصیت عالم وارسته مدیر کارآمد و پرتلاش، مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی و عضو باتجربه و هوشمند این شورا قرار گرفت. برادر عزیزم دکتر علی لاریجانی، از فهم عمیق

انقلابی و عقل و حکمت اسلامی برخوردارند و در طول این سالها در شورا، همیشه به عنوان یک شخصیت مطلع و بصیر در تمام جلسات و کمیته‌ها و کمیسیونها و شوراهای سیاست‌گذاری در دبیرخانه حضور فعال و مؤثر داشتند و همیشه از تحلیل صریح و انقلابی و موضع کارساز ایشان بهره‌مند و دلگرم بودیم. خدا را شکر می‌کنیم که فرمان دبیرخانه از دست یک استاد ارجمند به دست یک استاد مجرب، مؤمن، متعبد و دلسوز مردم انقلاب و از بیت شریف فقاقت و مرجعیت داده شد. «اللهم أكرمنا بالهدى والاستقامة»

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

اسلامی منشاء برکات بوده چند لحظه‌ای وقت عزیز شما را بگیرم.

ایمنی شرط رشد فرد و حتی بقاء اوست و امنیت شرط رشد جامعه و حتی بقاء اوست. ایمنی و امنیت بستر بودن و پویا بودن فرد و جامعه است. بدون امنیت ما نه در عرصه‌ی اقتصادی، نه در عرصه‌ی سیاسی، نه در عرصه‌ی نظامی و نه در عرصه‌های مختلف زندگی می‌توانیم برخوردار از یک جامعه‌ی مناسب و خوب و مطلوب باشیم. اما مهم این است که ما چه نگاهی به امنیت داریم. گاه همه چیز را امنیتی می‌بینیم و با نگاه امنیتی به مسائل نگاه می‌کنیم و امنیت را نیز در امنیت حاکمان خلاصه می‌کنیم.

حاصل این رویکرد و این دید اولاً رکود و سکون در عرصه‌های مختلف است که با دید امنیتی اقتصاد، سیاست، روابط بین‌الملل، فرهنگ، علم و تکنولوژی، مؤسسات تحقیقاتی، اجتماعی و تولیدی را دیدن خود به خود موجب سکون و رکود و در نتیجه عقب ماندگی و مرگ جامعه می‌شود و نیز امنیت را در امنیت حاکمان و صاحبان قدرت خلاصه کردن سبب انباشته شدن مشکلات، نگرانیها و نارضایتیها در جامعه و در نتیجه بالمآل به انفجار اجتماع می‌انجامد. یعنی این دیدگاه، دیدگاه ضدامنیتی به معنی دقیق کلمه است.

رویکرد دیگر امنیت را همه‌جانبه دیدن است. امنیت را بستر اقتصاد پویا، روابط سازنده‌ی بین‌المللی، فرهنگ پربار، تولید و

□ سخنان جناب آقای سید محمد خاتمی

مطالب خوبی گفته شد و جایی برای گفتن مطالب من باقی نماند؛ ولی برای عرض ارادت و نیز تحکیم مراتب دوستی و به عنوان قدردانی از عزیزی که همیشه برای همه ما عزیز خواهد بود، من هم چند کلمه‌ای عرض می‌کنم و بیشتر می‌خواهم به رویکرد امنیت ملی که در این سالها در خدمت جناب آقای روحانی به آن رسیدیم و پیش از آن هم در دوره‌ی پرافتخار جناب آقای هاشمی این مسیر طی می‌شد اشاره کنم و نقش جناب آقای روحانی را در تدوین و پایدار شدن این رویکرد که برای جمهوری

صنعت پویا، دانش و تحقیقات گسترده و در واقع بستردیدن امنیت است. ما نیازمند یک جامعه رشید از جنبه‌ی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و علمی هستیم. امنیت همه‌جانبه یعنی به این همه به عنوان هدف نگاه کردن و زمینه رسیدن به آن اهداف را فراهم آوردن و تهدیدهایی که در مقابل این مسیر هست، دیدن و شناختن و از بین بردن و حتی تبدیل کردن به فرصت است.

من آنچه که در این سالهای مسئولیتم احساس کردم و تلاش شد به عنوان رویکرد غالب و اساسی امنیت ملی درآید این چنین رویکردی به امنیت بود و نتایج و آثار فراوانی داشت که الان مجال بحث در این زمینه و دستاوردهای آن نیست و حتماً باید روزی و روزگاری جمع‌آوری شود و در اختیار اهل نظر و فکر و سیاست قرار بگیرد.

جامعه‌ی ما دورانهای سختی را طی کرده است. از جنگ، از آن امواج ترور و تروریسم که هنوز هم عقبه‌ها و آثار و نتایج آن را در جامعه‌مان می‌بینیم. از تحریم همه‌جانبه، فشارهای سختی که برای جمهوری اسلامی پیش آمده است، از حوادثی که هر کدام از آنها می‌توانست به بحران ویرانگر و بنیان‌کن در جامعه ما تبدیل شود. از وجود همسایگانی مثل صدام و طالبان که هر کدام برای موجودیت نظام ما می‌توانست خطرناک باشد و امروز هم که به لطف خداوند طالبان و صدام نیستند، اما از طرف دیگر حضور قدرت بزرگی مثل آمریکا

در همسایگی ما اینها مسائل کوچکی نبوده است که با سرسری گرفتن امور از کنار آنها عبور کرد و گذشت و جامعه را از این گردنه‌ها و مسیرهای سخت و ویران‌گر سالم عبور داد، این نیازمند به یک نحله، دکترین و رویکرد امنیتی سنجیده است که در عین حال بتوانیم هم این بحرانها را پشت سر بگذاریم و هم مسیر رشد و توسعه همه‌جانبه جامعه را تأمین کنیم. درست است که سیاستهای کلی نظام در همه عرصه‌ها و به خصوص در عرصه امنیت ملی توسط مجمع محترم تشخیص مصلحت تدوین می‌شود، به عرض مقام معظم رهبری رسانده می‌شود و تأیید نهایی ایشان و نظرات خاص ایشان مبنای قرار می‌گیرد. اما این سیاستهای کلی کجا تدوین می‌شود؟ سیاستهای کلی ما در عرصه امنیت و نیز در عرصه‌های دیگر بالحاظ مسئله امنیت امری بوده است که عمدتاً در دبیرخانه و با محوریت نظر و فکر، تجربه و همه‌جانبه‌نگری جناب آقای روحانی تدوین شده و تقریباً - همان‌طور که جناب آقای یونسی هم گفتند - جمع‌بندیهایی که در همه عرصه‌ها، چه در شورای عالی امنیت ملی می‌آمد و چه دولت متصدی آن بود و چه در مجمع می‌رفت و چه در نهایت به عرض مقام معظم رهبری می‌رسید و تأیید می‌کردند تقریباً همان چیزهایی بود که با دقت علمی، همه‌جانبه‌نگری، دورنگری و آینده‌نگری تدوین شده بود و در واقع حاصل کار دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی که خود جایگاه و پایگاه حضور اندیشه‌های

سنگین و قابل اعتماد نظام در آنجا بودند که خود جمع‌آوری این اندیشه‌ها و سلیقه‌ها و تجربه‌ها کار مهمی بود که جناب آقای دکتر روحانی از عهده‌اش بر می‌آمدند. و من در این هشت سال شاهد بودم که چه مواردی بوده که می‌توانسته بحران بزرگی برای جمهوری اسلامی ایجاد کند و جلوگیری شده و با چیره‌دستی خاصی که ایشان دارند، هنرمندانه در بسیاری از موارد بحران یا تهدید به فرصت تبدیل شده است.

من در اینجا نمی‌خواهم موارد را ذکر کنم شاید اگر مجالی باشد که آدم بنویسد و سخن بگوید و یا در خاطراتش یادداشت کند موارد بسیار حساس و نگران‌کننده‌ای بوده که انصافاً شورای عالی امنیت ملی و پیش و پیش از شورای عالی امنیت ملی دبیرخانه و در دبیرخانه شخص جناب آقای روحانی مؤثر بودند و به گردن نظام، انقلاب و جامعه حق دارند که هم توانسته‌اند امنیت را همه‌جانبه ببینند و هم در موارد و مصادیق با مسائل برخورد کنند و پیش ببرند.

نمونه‌ی آخرش مسئله هسته‌ای ماست. من فقط این جمله را بگویم که در اثر تلاش همه بخشها: جناب آقای آقازاده و سازمان انرژی اتمی، وزارت امور خارجه و جناب آقای خرازی، وزارت اطلاعات و جناب آقای یونسی و همه دست‌اندرکاران کمک کردند. بدون کمک کردن آنها نمی‌شد، ولی فرماندهی کار با جناب آقای روحانی بود، که به اتفاق آرا

با نظر مساعد رهبری، با اظهار علاقه و اصرار همه‌ی دست‌اندرکاران نظام تشخیص داده شد که جناب آقای روحانی این کار را بپذیرند و فداکارانه پذیرفتند و پیش‌بینی هم می‌کردند که این کار، کار مشکلی است. ولی مصلحت نظام ایجاب می‌کرد که این کار را بپذیرند و فقط در یک کلمه به عنوان کسی که می‌تواند شهادت دهد، بگویم که مادر طول این مدت در اثر تدبیر ایشان و کمک دیگر دوستان از یک کشور متهم تنها، به کشوری که حق مسلم او برای داشتن فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای به رسمیت شناخته شده است، رسیده‌ایم. الان این حق به رسمیت شناخته شده و امروز کسانی که می‌خواهند ما صاحب فن‌آوری هسته‌ای صلح‌آمیز نباشیم، در موضع دفاعی و انفعالی قرار دارند از یک کشور متهم تنها به یک کشور صاحب حق شناخته شده‌ی مبتکر و مؤثر درآمده‌ایم که انشاءالله باید به لطف خداوند با درایت و همت، این مسیر طی شود که هم بتوانیم با کمترین هزینه دستاورد و حقی که برای ماست حفظ کنیم و انشاءالله این چنین خواهد شد.

مطمئناً جناب آقای روحانی برای تقدیر و تشکر این کارها را انجام نداده‌اند. از زمان جنگ که در کنار آقای هاشمی بوده‌اند، در همه‌ی عرصه‌های سیاسی و به خصوص در این ۱۶ سالی که شورای عالی امنیت ملی تأسیس شد و تا امروز که به عنوان یک نهاد مقتدر و بانشاط در عرصه‌ی دفاع از منافع ملی و حفظ امنیت

ملی پویاست و این نهاد آماده و با نشاط از دست توانای جناب آقای دکتر روحانی به دست برادر عزیزمان جناب آقای دکتر لاریجانی که خود از چهره‌های ارزنده و دلسوز نظام هستند، تحویل داده می‌شود در یکی از دوره‌های درخشانی بوده که جناب آقای دکتر روحانی این را طی کرده‌اند و برای خدا این کار را کرده‌اند و قطعاً توقعی به این قدردانیها ندارند و حتماً هم این قدردانیها جبران زحمات ارزنده‌ی ایشان را نمی‌کند و امیدواریم که خداوند به ایشان خیر دنیا و آخرت عنایت فرماید و همچنان وجود ذی‌جود ایشان در خدمت جامعه، ملت، کشور و انقلاب باشد و همه ما بتوانیم از وجود ایشان استفاده کنیم. شاد و پیروز و سرفراز باشید.

نیروهای مسلح از یک سمت، وزارت کشور، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات از سوی دیگر و در موضوعات اقتصادی، ستاد اقتصادی دولت و وزارتخانه‌های ذی‌ربط و در بخش فرهنگی، دستگاههای فرهنگی و نهادهای مربوطه همه توان خود را به کار می‌گرفتند، اگر زحمات و تلاشهای آنها نبود، ما به نتیجه مطلوب دست نمی‌یافتیم.

دبیرخانه را ما از نقطه‌ی صفر شروع کردیم. وقتی دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی تشکیل شد، نه تشکیلاتی داشت، نه سازمانی، نه ساختمانی و نه بودجه‌ای، کار را از نقطه‌ی صفر شروع کردیم. از یک ساختمان چند اطاقی کار را شروع کردیم که در کنار این ساختمان کوچک، تعمیرگاه ماشین بود و ما از صبح تا شب صدای تق تق صافکاری ماشین را

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

□ سخنان جناب آقای دکتر روحانی

زبان من قاصر است از تشکر نسبت به عزیزان و سرورانی که در این جلسه خدمتشان هستیم، مخصوصاً شخصیهایی که با بیانات ذی‌قیمت خودشان بنده را مورد لطف خودشان قرار دادند و شرمنده کردند و بیش از آنچه که حد و حق من بود، بیان فرمودند. امیدوارم خداوند خدمات ناچیزم را به لطف و کرمش مورد قبول قرار دهد. برای من این ۱۶ سال، دورانی بود که به

می شنیدیم. کم کم این صدا تبدیل شده بود به یک نوای موسیقی که ما به آن عادت کرده بودیم. کل بودجه دبیرخانه در سالهای اولیه سی میلیون تومان بود و امروز که من از دبیرخانه خداحافظی می کنم و حالا که وضع بودجه‌ی ما نسبتاً خیلی خوب شده، امسال بودجه‌ی ما کمتر از هفتصد میلیون تومان است. پرسنلی که در این دبیرخانه فعال بودند و این نقش بزرگ را آفریدند، عدد آنها در آغاز حدود ۱۰، ۲۰ نفر و اکنون حدود ۵۰، ۶۰ نفر بیشتر نیست. با بودجه کم، امکانات محدود و افراد انگشت شمار ولی با همت بلند آنان و کمک سایر نهادها و ارگانها ما محصول ارزشمندی را تقدیم این ملت عزیز و بزرگ کردیم. آنچه که افتخار آفرین بود اینکه نهادهای مربوطه و دبیرخانه در کنار یکدیگر در تحلیل و ارزیابی امور مهم بین‌المللی و منطقه‌ای تحلیل دقیق و درستی را ارائه کردند. من فرصت بیان تک تک موارد را ندارم. در زمینه پیش‌بینی تحولات مهم، معمولاً پیش‌بینی ما در مسائل منطقه و حتی گاهی در صحنه بین‌المللی جلوتر و دقیق‌تر از دیگران بود. همچنین تصمیم‌گیری ما به موقع بود و آینده‌سنجی و پیش‌بینی‌های ما، در بسیاری از موارد از سایر کشورها جلوتر بودیم.

نمونه دیگر در مورد حوادث فروپاشی شوروی سابق بود که بسیاری از تحلیل‌گران معتقد بودند که کمونیزم رخت برمی‌بندد ولی شوروی به صورت یک کشور یکپارچه باقی می‌ماند، پیش‌بینی دوستان در دبیرخانه از یک سال قبل از فروپاشی این بود که شوروی تجزیه خواهد شد ولی بسیاری از تحلیل‌گران و اهل نظر با این پیش‌بینی موافق نبودند. اما این پیش‌بینی با همان دقت تحقق پیدا کرد و لذا ما به موقع توانستیم راجع به استقلال کشورهای همسایه شمالی تصمیم بگیریم و اعلام کنیم و استقلال آنها را به رسمیت بشناسیم. هنوز هم مسئولین این کشورها از ما تشکر می‌کنند و می‌گویند شما اولین کشوری بودید که استقلال ما را به رسمیت شناختید.

مسائل فراوان دیگری در این زمینه داشتیم، مثلاً در بحث حمله آمریکا به عراق، مصوبه شورای عالی امنیت ملی بر مبنای حمله آمریکا به عراق در شهریور سال ۱۳۸۱ تصویب شد یعنی شش ماه قبل از حمله، در حالی که افراد و ارگانهایی در کشور ما بودند که تا ۴۸ ساعت

قبل از حمله آمریکا به عراق معتقد بودند به عراق حمله‌ای نخواهد شد، کما اینکه بسیاری از کشورها تا چند هفته قبل از حمله، همین اعتقاد را داشتند. این افتخار را دبیرخانه دارد که شش ماه قبل، به دقت حوادث را پیش‌بینی کرد و بر مبنای آن طراحی و برنامه‌ریزی کرد و مصوبات لازم را گذراند و بر مبنای آن مصوبات، اقدامات لازم انجام گرفت.

البته من همان طور که اشاره کردم این‌گونه تحلیلها و مصوبات فقط محصول کار دبیرخانه نبود، بلکه با کمک همه نهادها و ارگانهای مربوطه بود که به این نتایج دست یافتیم. انصافاً همه دستگاهها با کمال هماهنگی، همواره با شورای عالی امنیت ملی همکاری خوبی داشتند. البته رؤسای برخی از این ارگانها اعضای اصلی شورای عالی امنیت ملی هم هستند. در این زمینه «حسنین»^۱ یعنی آقای دکتر فیروزآبادی و من به عنوان دو عضوی که از روز اول تشکیل شورای عالی امنیت ملی تاکنون در جلسات شورای عالی حضور داشته‌ایم می‌توانیم شهادت دهیم. بنابراین از روزهای پرماجرا و سخت، با تدبیر عبور کردیم که نیاز به یک فرصت خاصی دارد که به همه آنها پردازیم و راجع به آنها صحبت کنیم.

نکته‌ی دومی که می‌خواهم اشاره کنم، مسئولیت پرونده‌ی هسته‌ای بود که در دو سال اخیر بردوش شورای عالی امنیت ملی قرار داشت. من هیچ وقت نسبت به مسئولیتی که به من پیشنهاد شده تردید نکردم و همیشه با

استقبال آن را پذیرفته‌ام به جز دو مورد که نسبت به آنها با تردید فراوان و با سختی پذیرفتم. یکی در سال ۱۳۶۴ نسبت به پذیرش مسئولیت پدافند هوایی کشور بود. چون در شرایطی این مسئولیت به من پیشنهاد شد که در بدترین شرایط بودیم و حتی اسکله‌ی خارک بمباران شده بود و برای اولین بار صادرات نفت ما برای چند هفته قطع شده بود و در آن شرایط عراق مدرن‌ترین هواپیماها را از شوروی و فرانسه دریافت کرده بود و ایران تقریباً تمام ابزار اصلی پدافندی‌اش را از دست داده بود و تجهیزات قابل ملاحظه‌ای نداشت. برای من پذیرش این مسئولیت خیلی سخت بود. ابتدا جناب آقای هاشمی این پیشنهاد را دادند و بعد هم مقام معظم رهبری که آن روز رئیس‌جمهور بودند مرا صدا زدند و از من خواستند که این مسئولیت را بپذیریم ولی من نپذیرفتم. برای اینکه سخت‌ترین مسئولیت در آن زمان بود و من می‌ترسیدم عدم موفقیت در آن مسئولیت به نام روحانیت تمام شود. در واقع زمانی بنا بود این مسئولیت را برعهده گیرم که ابزار پدافندی ما بسیار محدود بود و دشمن در بهترین وضعیت بود. مقام معظم رهبری جمله‌ای فرمودند که باعث شد من تسلیم شوم. ایشان فرمودند من و آقای هاشمی از طرف امام این اختیار را داریم که اگر در هر موردی برای جنگ

۱. اسم کوچک رئیس ستادکل و هم دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی، حسن است و به همین دلیل گوینده تلمیحاً از تعبیر «حسنین» استفاده کرده است.

حضور فردی ضرورت داشت به وی تکلیف کنیم و من الان به شما می‌گویم پذیرش این مسئولیت برای شما واجب عینی است. گفتم اگر طبق نظر شماها این مسئولیت برای من واجب عینی است، می‌پذیرم و لذا من مسئولیت پدافند هوایی کشور را پذیرفتم. البته وقتی در عملیات والفجر ۸ موفق شدیم ۷۳ فروند هواپیمای عراقی را برای اولین بار سرنگون کنیم کاملاً احساس رضایت کردم. موضوع آن قدر شگفت‌انگیز بود که از آمریکا و شوروی دو تیم به بغداد آمدند تا بفهمند چگونه ایران این موفقیت بزرگ را به دست آورده است. اگر یادتان باشد آن زمان، برخی از کشورها اعلام کردند که چینیها با وسایل جدید پدافندی به ایران آمده‌اند و آنها توانسته‌اند هواپیماهای عراقی را سرنگون کنند. در حالی که می‌دانید در عملیات قبلی یعنی عملیات بدر فقط توانسته بودیم یک فروند هواپیمای عراقی را سرنگون کنیم. البته این موفقیتها در سایه تلاش و مجاهدتهای عزیزانی چون شهید ستاری و شهید بابایی به دست آمد.

مورد دوم همین پروژه هسته‌ای بود که آقای خاتمی حدود یک هفته اصرار می‌کرد که من این مسئولیت را بپذیرم و من نمی‌پذیرفتم بدلیل آنکه می‌دانستم چه مشکلاتی پیش رو داریم. ولی زمانی که مقام معظم رهبری به من فرمودند این مسئله، بار نظام است و شما این بار را بردوش بگیرید، من پذیرفتم.

شما شرایط دو سال قبل، بعد از قطعنامه

سپتامبر در شهریور و مهر سال ۱۳۸۲ را به خوبی بیاد دارید که همه چیز در کشور قفل شده بود. روابط اقتصادی ما با جهان غرب، روابط سیاسی ما، بحث سرمایه‌گذاری در کشورمان و حتی تولید و تجارت در داخل کشور، همه چیز در حال توقف کامل بود. آمریکا هم در آن ایام، مست‌غرور و پیروزی‌بود و اگر ما انفعالی عمل می‌کردیم و یا تندروری می‌کردیم، تیغ را به دست زنگی مست داده بودیم. ما توانستیم با تدبیر از آن مرحله خطرناک عبور کنیم. تهدید آن روز را امروز نداریم، شرایط جهان و منطقه عوض شده است حتی من معتقدم آن تهدید را شش ماه و یک سال دیگر هم نخواهیم داشت. ما توانستیم از آن پیچ خطرناک عبور کنیم. در مجموع توانستیم با برنامه‌ی درستی از آن مقطع عبور کنیم. به کمک دیپلماتهای عزیز و تیم مذاکره‌کننده مظلوم ما که تاریخ آینده باید نسبت به جهاد و تلاش آنها و ارزش کار آنها قضاوت کند، توانستیم از یکی از سخت‌ترین چالشهای ملی عبور کنیم.

هدف آمریکا این نبود که فقط ما را به شورای امنیت ببرد، بلکه هدف این بود که ما را برای همیشه از این حق مشروع و قانونی محروم کند یعنی بگویند چون ایران متخلف است، پس حق ندارد از این حقوق استفاده کند و این حقوق دیگر برای ایران مشروع نیست. مبانی لازم برای دستیابی به این هدف در حال شکل‌گیری بود که خوشبختانه با تلاش حقوقی و سیاسی، همه‌ی این مبانی تخریب شد

و طرحهایی که آمریکاییها در این زمینه داشتند از بین رفت. در تمامی قطعنامه‌هایی که از نوامبر سال ۲۰۰۳ تا به امروز در شورای حکام صادر شده حتی آخرین قطعنامه (که قطعنامه بدی بود) به صراحت به حق جمهوری اسلامی ایران اعتراف شده است.

آمریکایی خواست ثابت کند که ایران دنبال بمب است ولی در گزارشات آژانس و در قطعنامه‌ی آذرماه پارسال (نوامبر ۲۰۰۴) به صراحت آمده که همه‌ی فعالیتهای ایران صلح‌آمیز بوده و این قطعنامه با اجماع تصویب شده و خود آمریکاییها هم به این قطعنامه رأی داده‌اند، در واقع خود آمریکاییها با این قطعنامه در برابر دنیا اعتراف کردند که اشتباه کرده‌اند و دروغ گفته‌اند. برای اینکه می‌توانستند با این بند مخالفت کنند. بنابراین ما دستاورد بسیار بزرگی از لحاظ حقوقی کسب کردیم.

از لحاظ سیاسی هم، ما دستاورد بزرگی به دست آوردیم. ما کار را به نقطه‌ای رساندیم که یکی از سران بزرگ اروپا یعنی آقای شیراک طرح جمهوری اسلامی ایران برای تضمین صلح‌آمیز بودن، یعنی در ایران غنی‌سازی انجام شود و در عین حال نگرانی برای دیگران وجود نداشته باشد را صراحتاً در یک جلسه‌ی رسمی پذیرفت و قبول کرد. گرچه بعداً، آمریکاییها مانع شدند و نگذاشتند این مسیر ادامه پیدا کند. این نشان قدرت دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران است که قادر است در برابر اروپا و غرب دست و پنجه نرم کند و از لحاظ سیاسی به

پیروزی برسد. این موضوع در صورت جلسات رسمی دوطرف ثبت شده و در بیانیه کاخ الیزه هم به آن اشاره شده است که شیراک این موضوع را پذیرفته است. بنابراین ما از لحاظ سیاسی هم، حتی در مسائل بسیار سخت و پیچیده به اصطلاح در بحث تضمینهای عینی به یک موفقیت بزرگ دست یافتیم.

از لحاظ فن‌آوری، ما در طول دو سال گذشته، فرصتی را فراهم کردیم تا دانشمندان بزرگ و اندیشمندان ما بتوانند فن‌آوری اتمی را تکمیل کنند. ما در هر بخشی که فن‌آوری مانع ناقص بود تعلیق را نپذیرفتیم. هر جا به تولیدی نیاز ضروری داشتیم تعلیق را نپذیرفتیم. یادتان نرود قطعنامه شهریور سال ۱۳۸۲ این بود که ایران همه فعالیتهای مربوط به غنی‌سازی را باید تعلیق کند ولی ما ساخت قطعات و مونتاژ سانتریفیوژها که قطعنامه به ما می‌گفت باید تعلیق کنید نپذیرفتیم و تعلیق نکردیم، چون سانتریفیوژ آماده کم داشتیم. ولی در بحث تزریق گاز چون فن‌آوری ما کامل شده بود، تعلیق را قبول کردیم. خیلی هنرمندی در این مسئله شد. ما در اصفهان زیر بار تعلیق نرفتیم تا زمانی که اصفهان کامل شد و به نتیجه رسیدیم و محصول نهایی بدست آمد و فهمیدیم که از لحاظ فن‌آوری مشکلی نداریم، آن وقت تعلیق را پذیرفتیم. پس قدم به قدم ما تعلیق را در موردی که مشکل فن‌آوری اصلاً نداشتیم، پذیرفتیم. در عین حال ما نگذاشتیم تعلیق به یک تعهد حقوقی تبدیل شود. این را از بیانیه‌ی

تهران پایه‌گذاری کردیم و گفتیم تعلیق داوطلبانه و برای اعتمادسازی و ما تعهدی در این زمینه نداریم. این موضوع برای اروپا خیلی سخت بود ولی با ایستادگی ما ناچار شدند قبول کنند و بعداً عین این جملات در قطعنامه‌های بعدی شورای حکام به صراحت آمد. در حالی که در قطعنامه قبلی یعنی سپتامبر ۲۰۰۳ به عنوان یک تعهد حقوقی از ما خواسته شده بود. حتی آخرین قطعنامه‌ای که با لحن تند صادر شده و علیه شروع فعالیت اصفهان است، باز هم بر این نکته تأکید شده که تعلیق داوطلبانه و برای اعتمادسازی است. این موضوع از لحاظ حقوقی بسیار مهم است. بنابراین از آغاز این پایه مهم را گذاشتیم که غنی‌سازی حق مسلم ایران است و ایران همیشه می‌تواند از حق خودش استفاده کند.

البته مسیر این پرونده مسیر سختی است باید این مسیر را تا پیروزی نهایی ادامه دهیم و انشاءالله به پیروزی نهایی می‌رسیم. منتهی از امروز بار مسئولیت به دوش برادر عزیزمان جناب آقای دکتر لاریجانی قرار گرفته است. من خوشحالم که مسئولیت به برادر عزیزی واگذار شده که هم در جلسات شورای عالی امنیت ملی سالها حضور داشته و روند کار را می‌داند و هم در دبیرخانه در جلسات مهم شرکت می‌کردند و هم در مراحل تصمیم‌گیری مسائل هسته‌ای حضور داشته‌اند. بنابراین، این بار انشاءالله به خوبی به مقصد خواهد رسید.

من در پایان می‌خواهم از آیه‌الله هاشمی

رفسنجانی تشکر کنم، نه به خاطر بیاناتی که امروز داشتند، بلکه به خاطر هدایات و ارشاداتی که در طول مدت از اولین روزی که ما وارد مجلس شورای اسلامی شدیم در سال ۱۳۵۹ تا امروز همواره از راهنمایی‌های ایشان استفاده کردیم. برای من از اینکه با بزرگوارانی همچون مقام معظم رهبری که بسیاری از کارهای ما در مسائل امنیت ملی مربوط به ایشان می‌شد و آیه‌الله هاشمی رفسنجانی و حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی که در هشت سال اخیر از نظراتشان بهره گرفتم. من در اینجا باید هم از دوره‌ی هشت سال اول و هم دوره‌ی هشت سال دوم از اعتمادی که این دو بزرگوار به شخص من و دبیرخانه داشتند سپاسگزاری نمایم. بسیاری از فعالیتهایی که در دبیرخانه داشتیم خارج از وظایف دبیرخانه بود که به خاطر اعتماد و حسن ظن این عزیزان به دبیرخانه احاله می‌شد.

همچنین از حضور اعضای دفتر مقام معظم رهبری، وزرای محترم، علمای بزرگوار، شخصیت‌های عزیز، از ارگانها، از نهادها و از وزارتخانه‌ها، از مجلس شورای اسلامی، از شورای نگهبان، از قوه قضائیه، از نیروهای مسلح اعم از ستاد کل، ارتش، سپاه و ناجا و همه عزیزانی که در این محضر در خدمتشان هستیم کمال تشکر و امتنان را دارم. امیدوارم خداوند به همه ما توفیق بدهد که بتوانیم خادم کوچکی برای نظام، انقلاب و مردم عزیزمان باشیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته